

(۱۰۹۳)

آن دارند و اکثر اوقات توفیق ثواب اندوژی کتابت کلام الله از ضامم
عبادات و کرائم عبادات آن شهنشاه دین پناه است در ایام میمنت
انجام بادشاهزادگی مصحفی مسجد بخط مبارک صورت اتمام داده
آنها با دیگر شرائف تحف وزغائب و مبلغی خطیر برسم نذر و
آئین نیاز بمکه معظمه و کعبه مشرفه زانها الله قدره و جلاله فرستاده
که در آن حرم محترم و بقعه مکرم برکت تبارتش روزگار خجسته آثار
عائد گردن و بعد از جلوس بر سریر سلطنت و اقبال با وجود کثرت
مشاغل صوری و معنوی و نظم و پرداخت امور دینی و دنیوی در هر
توجه اشتغال بحراست و پاسداری جهانیان و تاسیس قواعد عدل
و احسان عزیمت نگارش مصحفی دیگر از خاطر انور سر بر زده شروع
در آن متصد و الا فرمودند و هر روز بعد فراغ از اشغال ضروریه دین و
دولت و تنظیم مهم ملک و ملت و ادای وظائف طاعت و عبادت
شطری از اوقات میمنت قربن بتحریر مطری چند از کتاب مبین
مصروف ساخته در عرض اندک وقتی بدستداری تایید و مددکاری
بخت سعید جلدی دیگر از مصحف مسجد با تمام رسانیده سعادت
جاوید اندر خند و سوی این دو مصحف کریم مکرر بتحریر
پنج سوره و دیگر سوره قرآنی موفق گشته اند - خط نستعلیق آن
حضرت بی شایبه اطرای مدح طرازی و اغراق نیکه پردازي در آن
رتبه امت که قطعهای که در عین ایام فوق و سرگرمی مشق رقم
پذیر خامه اشرف گشته بقطعههای خوب امتدادان که هر گرانمایه
صرف تحصیل آن سرمایه ساخته بتکمیل امری دیگر پرداخته اند
در نظر خط شناسان مبصر مشدده می شود - و شکسته نستعلیق در

(۱۰۹۴)

غایت مغزداري و صفا و متانت و پختگی می نویسند که شکستهای
زلف دایبران سلسله نسب بآن درست میکند و خط نثار سیمین
عارضان سر مشق دایرانی و نظر فریبی ازان می گیرند همانا تسخیر
خطه خط و نثر انروای قلمرو این فن بدیع نمط چون فتح کشور دیگر
فضائل و کمالات از مژمات عالمگیری و جهان کشائی آنحضرت است
در اکثر اوقات بافتضای غنایت و مرحمت یا بنابر بعضی مطالب
سوی و مصالح ملکی مناشیر کرامت عنوان بادشاهزادهای ارجمند
کامکار و نویدان نامدار بخط مبارک می نویسند و کم وقتی میگذرد
که بر عنوان امثال جلیله که باصراي ذی شان و عمدهای آستان
سپهر نشان زینت صدور می یابد مطری چند نگارش نمیدرمانند -
نکته دانی و معنی شناسی و ربط و مناسبت فطری و کسبی آن
حضرت بمراتب نثر و انشای انواع کلام در مرتبه ایست که سخن
سنبجان معنی طراز و فصاحت پیشگام نکته پرداز از فیض تعلیم
و ارشاد آن مطهر کمالات قدسی عمرها استفادۀ دقائق و رموز سخن
می توانند کرد هرگاه بادای منشور منشدیان بلاغت گستر انشا
نامه میدرمانند بحسن و تقریر دل پذیر بنوعی تمهید مطالب و
تلقین مدعی می نمایند که اگر نگارنده قوت حافظه را درج آن
در شاهوار و لایح آبدار ساخته بنگارش همان الفاظ گهر نثار بنظم و
تالیفی که از زبان حق بیان استماع نموده اکتفا نماید از تجشم بکر
و تکلف انشا مستغنی است و چون مسودۀ آن درست میشود
بمطالعه اشرف رسیده از قلم بدائع رقم آن شهنشاه نکته رس
هوشمند چندان بتصرفات مرغوب و تلاحیهای داپسند زینت

(۱۰۹۵)

می یابد که ادیب اریب از ملاحظه آن بعجز و قصور معترف گشته
هرمایه بصیرت در اسلوب و قواعد سخن و پیرایه خبیرت و مهارت
هران فن می اندوزد و همچنین مذاشیر جلالت نشانی که منشیان
بلاغت آثار پادشاهزادهای کامگار بخت بیدار و عمدهای این
دولت پابدار می نویسند نخست مسودات آنها بنظر انور در آمده
بزیور اصلاح پادشاهانه مزین می شود - آن زبان سرور بخت
و اقبال اگرچه اکثر اوقات بزبان سلیس ملبس فارسی تکام می نماید
لیکن ترکی چغتائی را بغایت خوب می دانند و با ترکان بدان زبان
سخن می کنند و با جمعی از اهل هند که فارسی نمی دانند یا
نیکو نمی توانند گفت بصورت زبان بلغت هندی می کشایند - و
قواعد و آداب سپاهگری و صنوف هنرهای که لازم مرتبه حشمت
سرریست از علم صدق و شکار و شیوه کمانداری و تنگ اندازی
و اسب تازی و دیگر لواحق این امور کمال آن برگزیده ذوالجلال
بحدیست که مهارت یشگان آن فنون که سعادت اندوز بساط قرب
و ملتزم رکاب اقبالند پیوسته از مشاهده عجز و نقصان خویش در
جنب آن کمالات عرق تشویر و انفعال بر ناصیه عبودیت دارند و از
کرائم اخلاق آن خدیو کشور انفس و آفاق حسن تربیت فرزندان ارجمند
عالی گهر و پادشاهزادهای والا قدر نیک اختر است که بمیامن
توجه باطنی و ظاهری و پرورش صوری و معنوی آن حضرت
بکمالات علیه و فضائل سنیه نائز گشته از صلاح و طاعت و پرهیزکاری
و عقل و رای و دانش و هوشیاری و قواعد و آداب سروری
و مرداری و صنوف هنرهای کسبی نصیبه وافی دارند و همگی

(۱۰۹۶)

بدین استفاضه انوار تربیت شاهنشاه خدا آگاه حافظ کلام الله اند و تحصیل قدر معتد به از مراتب علم و ادب کرده در نوشتن اقسام خطوط مهارت آموخته و با فصاحت و بلاغت زبان فارسی و ترکی نیکو آموخته اند . و همچنین ثمرات طایبات نهال حشمت و اقبال و نخلات شریفات ریاض عظمت و جلال و دیگر صدرنشینان مشکوی عزت و احترام و پرده گزینان شبستان ابهت و احتشام و سایر محتجبات استدار عفت و مخدرات سرادق عصمت بمیدان ارشاد و هدایت و برکت خدمت فیض آیت آن حضرت اکتساب عقائد حقه و احکام ضروریه دینیه و تحصیل خط و سواد نموده همه بر مجاهد طاعت و حق پرستی و از کمال تقدس و تنزه برکت بخش خاندان وجود و شرافت افزای دردمان هستی اند و پیوسته بذلالت و کتابت قرآن مجید و مواظبت خیرات و مہرات و تحصیل حسنات و مہذوبات اشتغال می دارند .

ذکر کرائم اشغال شهنشاه حق پزوه

خیر اندوز در اوقات شبانروزی

آن حضرت قبل از طلوع انوار صبح صادق از بستر استراحت با بخت بیدار و دل هوشیار برخاسته از چشمه سار توفیق وضو میکنند و از خوابگاه مقدس بیرون خرامیده به مسجد فیض آموذ غسلخانه مبارک پرتو قدم می گسترند و مستقبل قبله بجای نماز نشسته بموجب حدیث شریفه نبوی علی قاله شرائف الصلوات و کرائم التحیات که « المحتظر للصلوة کمن هو فی الصلوة »

(۱۰۹۷)

بانتظار وقت ثواب اندوز می باشند و چون وقت نماز می رسد پس از اقامت سنت سوکده مفروضه صبح را ادا مینمایند و بعد از نماز بگذارند کلام مسجد و ادعیه مائوره و اقامت اوراد و وظائف معهوده که در آن مراتب بمیامن توفیقات ایزدی و تائیدات آسمانی گوی مزیت از سجاده نشینان عبادت پژوه و زاویه گزینان حق پرست بوده اند پرده اخته تا چاشنگاه باین امور مشغول می باشند و بعد از فراغ قرین بخت و سعادت و کامیاب میض عبادت از آن معبود همایون برآمده بخلوت ناه عز و جاه که نشیمن خاص آن خدیو خدا آگاه است شرف قدوم می بخشند و در آن وقت برخی محرمان حریم دولت و مقربان پیشگاه ابدان را با خواص خدم شرف بار داده بر سریر عدلت و داد دهی می نشینند و دروگان عدالت جمعی از متظلمان و داد خواهان چه از اهل دار اخلایه و مردم حاضر پرورد و چه از مردم دور دست و سکنه اطراف بلاد و صوبها که بر آنها ستمی رفته و باستماع صیت نصرت و مظلوم بوزی و استظهار آزار عدلت و ظلم گذزنی آن طرازنده اوردگ سروری و سرانرازی از مساکن و اوطان خویش مهاجرت گزیده بآستان پیر بندگان که موقف عدل و داد است می آیند در پیشگاه عدلت حاضر ازرده صورت تظلم و استغاثه آنها بی شایده لخاص و غایبه اغراض بخدمت اشرف ارفع رفع نموده مطالب هر یک مفصل و مشروح بعرض همایون میرسانند و آن حضرت بنفس ندیس متوجه تفضیلت و استکشاف حال آنها گشته چون صورت احوال شان در حضرت خلعت پیرایه ظهور می یابد قضیای شرعیه باشاره والا بر وفق

(۱۰۹۶)

بدمن استفاضه انوار تربیت شاهنشاه خدا آگاه حافظ کلام الله اند و تحصیل قدر معتد به از مراتب علم و ادب کرده در نوشتن اقسام خطوط مهارت آموخته و با فصاحت و بلاغت زبان فارسی و ترکی نیکو آموخته اند - و همچنین ثمرات طیبات نهال حشمت و اقبال و نخلات شریفات ریاض عظمت و جلال و دیگر صدرنشینان مشکومی عزت و احترام و پرده گزینان شبستان ابهت و احتشام و سایر محتجبات استدار عفت و مخدرات صادق عصمت بمیدان ارشاد و هدایت و برکت خدمت فیض آیت آن حضرت اکتساب عقائد حقه و احکام ضروریه دینیه و تحصیل خط و سواد نموده همه بر سجاده طاعت و حق پرستی و از کمال تقدس و تنزه برکت بخش خاندان وجود و شرافت افزای دردمان هستی اند و پیوسته بتلاوت و کتابت قرآن مجید و مواظبت خیرات و مبرات و تحصیل حسنات و مژوبات اشتغال می دارند •

ذکر کوائم اشغال شهنشاه حق پزوه

خیر اندوز در اوقات شبانروزی

آن حضرت قبل از طلوع انوار صبح صادق از بستر استراحت با بخت بیدار و دل هوشیار برخاسته از چشمه سار توفیق وضو میکند و از خوابگاه مقدس بیرون خرامیده به مسجد فیض آمود مسلمانان مبارک پرتو قدم می گسزنند و مستقبل قبله بجای نماز نشسته بموجب حدیث شریفه نبوی علی قائله شرائف الصلوات و کرائم التحیات که «المنتظر للصلوة کمن هو فی الصلوة»

(۱۰۹۷)

بانتظار وقت ثواب اندوز می باشند و چون وقت نماز می رسد پس از اقامت سنت موکده مفروضه صبح را ادا مینمایند و بعد از نماز ب تلاوت کلام مجید و ادعیه ماثوره و اقامت اوراد و وظائف معهوده که در آن مراتب بیدمان توفیقات اینرسی و تائیدات آسمانی گوی مزیت از سجاده نشینان عبادت پژوه و زاویه گزینان حق پرست ربوده اند پرداخته تا چاشنگه باین امور مشغول می باشند و بعد از فراغ قرین بخت و سعادت و کامیاب میض عبادت ازان معبد همایون بر آمده بخلوت ناه عز و جاه که نشیمن خاص آن خدیو خدا آگاه است شرف قدوم می بخشند و در آن وقت برخی محرمان حریم دولت و مقریان پیشگاه ابدان را با خواص خدم شرف بار داده بر سریر معدلت و داد دهی می نشینند و در میان عدالت جمعی از مظلومان و داد خواهان چه از اهل دار الخلاء و مردم حضر پرنور و چه از مردم دور دست و سکنه قطار بلاد و صوبها که بر آنها ستمی رفته و باستماع صیت بصفت و مظلوم نوازی و استظهار آداب معدلت و ظلم گدازی آن طرازنده ازرنگ سروری و سرامرازی از مساکن و اوطان خویش مهاجرت گزیده بآستان پیر بندان که موقف عدل و داد است می آیند در پیشگاه معدلت حاضر آورده صورت ظلم و استغاثه آنها بی شایده انماص و غایبه اغراض بخدمت اشرف ارفع رفع نموده مطنب هر یک مفصل و مشروح بعرض همایون می رسانند و آن حضرت بتفصیل متوجه تفریض و استکشاف حال آنها گشته چون صورت احوال شان در حضرت خلافت پیرایه ظهور می یابد قضایای شرعیه باشاره والا بر وفق

(۱۰۹۸)

شریعت غرا در مطابق ملت بیضا بقطع و فیصل میسرمد و مراتب
 هرفیه موافق توره سلطنت و جهان دانی و آئین معدلت خسروانی
 تذقیح و تشخیص می یابد و از ارباب تظلم و استغانه جمعی که
 دلائل مسکنت و اضطرار و مخائل احتیاج و افتقار از چهره احوال
 شان نمودار باشد از خزانه احسان بیگوان دامن امید بفقده مقصود
 آوده فیض اندوز فضل و مکرمت میگردند و پس از تقدیم مراتب
 معدلت گسترگی بشیستان اقبال خرامیده بعضی اوقات چون مهر
 منیر و خورشید عالم گیر که از دریچه مشرق جهانتاب گردن از منظر
 مبارک درمن جلو سعادت نموده منتظران دیدار میمنت آثار
 را فروغ بخش ابصار میگردند و در فضای پای درسن خلقی انبوه
 از هر صنف و گروه فراهم آمده بی مانع و مزاحمی استغاضه انوار
 فیض الهی از جمال عالم آرا میبمایند آن خدبو خورشید قدر انجم
 حشر شان افواج قاهره بیشتر دران عرصه پهنادرمی بینند و در جمعات
 که برای اقامت نماز جمعه بجامع دار الخلافه پرتو قدوم میگسترند
 بعضی امرا از تابندگان خود را در فضای داکشایی پای قلعه بنظر آورد
 عرص میدهند و متصدیان میدان سرکار خاصه شریفه برخی ارباب
 مست خود سر که آوردن آنها بخاص و عام دشوار است در پای
 درسن از نظر اقدس میگذرانند و گاه بعضی از میدان کوه پیکر بدیع
 منظر ابر خرام رعد خروش در عقب اسپان برق تگ باد رفتار
 میدوانند تا بدینان از دنیای اسپ و جمله بر رگب و مرکوب که
 در معارک و غماز آنها مطلوبست خوگر شوند و بعضی ازبات باشاره
 معلی میدان کوه تمثال فلک شکوه که حیده مست باد جنگجویی

(۱۰۹۹)

و عربده خوئی گشته باشند از یک زنجیر تا پنج زنجیر بقدر خواهش
طبع ادیس دران میدان و سبع بجز آن می اندازند و نظاره آن
شکر هنگامه دافریب که از غرائب دیدنیهای عالم است از آن
منظور و الا صورت پیرای خاطر ملکوت ناظر شهنشاه جهان و حیرت
انزای زمره نظارگیان میگردد و دران جلوه گاه اقبال دو گهزی و گاه
بیشتر و گاه کمتر می بشینند و از آنجا بسعدت برخاسته بچهره
ایوان چهل ستون خاص و عام که در وسعت و عظمت رشکوه و شان
نمونه از ایوان کیوان است و خامه نکته سنج را وصف زیب و
آراستگی آن فزون از نیروی قدرت و توان جلوس سعادت می
نمایند و دران محفل همایون بتوزک و آئینی که معمول این
دولت ابد قرین است دیوان بزرگ کرده متوجه پرداخت عظام
امور ملکی و کلیات مهمات مالی می شوند و بوماطت بخشیان
عظام مراتب معاملات و مهم امرا و منصب داران بعرض اشرف
رسیده جمعی که بتفویض خدمات و اضافه مناصب و دیگر عطایا
و مواهب کامیاب میگرددند یا بدولت بندگان این درگاه آسمان جاه
تازه سر بلندی می یابند تقدیم رسم تسلیم می نمایند و گروهی
که بصورتها و خدمات بیرونی تعین یافته باشند خلعت سرانزای
پوشیده در خور پایه و حالت مورد دیگر مراسم گردیده از پیشگاه
خلاصت مرخص می شوند و گروهی که امیدوار دولت بندگانگی و
خدمات و اضافه منصب اند از نظر انور گذشته در خور شایستگی
و قابلیت بمطالب و متمنیات خویش فائز میگرددند و همچنین
مهمات زمره برق اندازان که عبارت از تشنگیان سوار اند خواهد

(۱۱۰۰)

منصبدار و خواص احدی و فرقه احدیان تیر انداز بوماطت میزد آتش
 و بخشی احدیان بموقف عرض میزدند و آن گروه از نظر اقدس می گذردند
 و بوسیله مقربان بارگاه و امیران درگاه عرائض صوبه داران و متصدیان
 هر صوبه و سرکار و پیشکشهای آنها بمحل عرض میزدند و متصدی
 خدمت عرض مکرر احکام مطاعه که در باب منصب و جاگیر و
 دیگر مراتب و مهمات و اقسام معاملات صادر می شود مکرر بعرض
 اقدس می رساند و آخته بیگی و ذاروغه انیال هر روز به برخی اسپان
 و چندی از فیلان بزینت و آراستگی تمام بنظر انور در می آورند
 و اگر اسپه یا فیل زبون و لافز شد متکفلان امور آنها بمعرض
 عتاب و بازخواست می آیند و اسپان داغی و تابیدان و منصبداران
 را ذاروغه داغ و تصحیح بنظر خورشید اثر می نمایند و اگر اسپه یا
 سواری بنظر همایون زبون در آید در فرموده تابین باشی را بمعرض
 عتاب می آورند باجمله کلیات امور و عظام مطالب جمهور درین
 دیوان اقبال و ایوان جلال پدیرایه انظام می گیرد و چهار پنج
 گهزی آنجا اوقات میمنت سمات آنحضرت بجلائل اشغال
 پادشاهی و شرائف مهم گیتی پناهی مصروف می شود و قبل
 از دو پاس روز قرین بخت و سعادت ازین دیوان بزرگ و صغیر
 سدرگ برخاسته بانجمن خاص غسل خانه عز قدوم می بخشند
 و دران نگارین سرای دولت بر اورنگ قدر و هشتت نشسته تا
 دو پاس روز سریر آرای کام بخشی و کمرانی و انظام بخش امور
 خلافت و جهان بانی می باشند و اکثر اعیان دولت و ارکان سلطنت
 و متصدیان مهمات و اهل خدمات و گروهی نرگز برداران و بندهای

(۱۱۰)

جلور اهل خاص چو کبی رجمعی از چیلها و قورچیلان و مردمی که وجود شان ضروری باشد آنجا شرف بار می یابند و دیواندان عظام و بخشیان ممالک نظام و متصدیان سهام بیوثبات و چندی از داروغهای کار خانجیات و دیگر ارباب خدمات که رخصت عرض دارند از مطالب و مهمات کلی و جزوی بقبولت معروض داشته بجوابهایی با صواب که ارباب الباب را سرمایه بخردی و پدیرایی هوشمندی تواند بود ارشاد می یابند و صدر الصدور اهل استحقاق و نیاز مندان فیض انفاق را جوق جوق بنظر کمیا اثر شهشاه آفاق در آورده مراتب احوال و صورت امالی و آمال آنها بشرف آنها میرساند و آن گروه بر وفق نصیبی ازلی بتعمین وظائف و عطای اراضی مدد معاش و انعام نقود کامیاب عوطف با شاهانه می گردند و عرائض صوبه داران و حکام اطراف اکثر درین محفل فیض قرین بوساطت باریافتگان بساط قرب از نظر فیض اثر گذشته برخی بمطالعۀ اشرف میبوسند و بعضی دیگر را و زیر اعظم خوانده مضمون بعرض همایون میرساند و احکامی که در جواب هر یک می شود دستور خرد گنجور بمنشیان عطارده نشان ابلاغ می نمایند و اکثر مسودات نخست باسراز نظر انور نور آگین گذشته بتصرفات بدیعه و اصلاحهای کاملانۀ بادشاهانه در الفاظ و معانی که ماهران رموز سخن منجی و نکته دانی را دستور العمل فصاحت و قانون الادب بلاغت تواند بود زینت می یابد و چون مفاشیر جلیل القدر نوشته می شود دستور اعظم آنها را بنظر معنی میرساند و عنوان بعضی امثالۀ جلیله که باصرای نامدار و نویذبان رفیع مقدار عز صدور یافته

(۱۱۰۲)

باشد بجهت تفاخر و مبهات آن گروه با مزید قدغن و تاکید در مطالب و احکام بخط خاص که از سواد خط پیشانی مقبلان خوشتر است مزین مینمازند و وقایع هر صوبه و سرکار از روی نوشتنهای سوانح نگاران اطراف و اکذاب این کشور فلک وسعت که برسد تواتر و توالی به پیشگاه حضور عز وصول می یابد درین والا بارگاه بمسامع حقائق مجامع میرسد و برخی اوقات جانوران شکاری از باز و جره و شاهین و چرخ و بحری و یوز و غیر آن بوساطت فوش بیگی و فراول بیگی از نظر اشرف میگذرد و لختی تماشای پری چهره اسپان برق سرعت باد رفتار که متصدیان اصطلب سرکار خاصه شریفه بآراستگی تمام از نظز انور میگذرانند و رانضان و چابک سواران نیز در صحن غسلخانه سوار شده می گردانند مسرت پیرای طبع انفس میشوند و درین مجلس همایون نیز داروغه عدالت مستغیمان و داد خواهان را حاضر ساخته عرض احوال و مطالب آنها می نمایند و شهنشاه حق آناء در ائذای اشتغال بمهمات سلطنت و سروری که مجملی ازان سمت گزارش پذیروت بحال متظلمان نیز پرداخته داد دهی خلایق می فرمایند و از ایام هفته روز چهارشنبه خاص بامر عدالت است دران روز بدیوان خاص و عام شرف حضور نمی بخشند و جمیع متصدیان عدالت و فاضی عساکر و مفتیان و فضلا و علما و ارباب عمائم و شحنگان شهر در محفل خلد آئین غسلخانه حاضر آمده همگی اوقات قدسی سمات مصروف بعدل پروری و داد گستری میشود و مردمی که آنجا ضروری الوجود نباشند در آن والا بارگاه بار نمی یابند بالجمله شهنشاه جهان تاه

(۱۱۳)

قریب دو پاس روز باین مراتب اشتغال دارند و ازین محفل
 همایون قرین سعادت برخاسته بمشکونی قدس و حرم کده اقبال عز
 قدوم می بخشند و آنجا بر سفره نعمت خاصه نشسته بقصد
 تحصیل قوت طاعت و عبادت اینزدی بقدر قوت روحانیان از اندیشه
 طیبه که از خزانه وجه حلال سرانجام می یابد تناول می نمایند
 و بجهت ترطیب دماغ و حفظ صحت و قوام بدن و اعتدال مزاج
 ساعتی با دل بیدار دیده بشکر خواب می سپارند و قبل از درآمدن
 وقت نماز ظهر از بستر استراحت برخاسته وضو می کنند و دیگر باره نور
 افزای ساحت قدس مسجد گشته بعد از ادای دوگانه تحیت
 بآئین تخشع و عبودیت بر سجاده توفیق مستقبل قبله می نشینند
 و از روی کمال آگاهی و حضور دمی چند تذکر و تسبیح حق و یاد
 پروردگار مطلق بمنوانی که از اعظام ملت و اکابر دین و اهل باطن
 و ارباب یقین فرا گرفته اند سعادت اندرز گشته چون وقت ادای
 صلوٰه میرسد با جمعی از علما و عادات و مشایخ و فقرا و برخی
 از خواص و نزدیکان که در آن وقت حاضر اند فریضه ظهر بجماعت
 گزارده تمام سذن و نوافل و ادراک و وظائف معهوده که اوقات متعبدان
 تجرد کیش و متفلسکان زهد اندیش از استیفای آن قاصر است
 ادا نموده بعد فراغ ازین مراتب خلوت کده خاص را که ما بین
 حرم کده قدس و ایوان مبارک غسلخانه است بقدم همایون فروغ
 سعادت می بخشند و تا رسیدن وقت نماز عصر دران آرامگاه دولت
 بکرائم افعال و شرائف اشغال مانند تلاوت قرآن مجید و کتابت و
 مقابله آن و تتبع مسائل دینی و خوض در معارف یقینی و

(۱۱۴)

مطالعۀ کتب و رسائل عرفا و اکابر اوقات فرخنده آیات مصروف
 میدارند و بعضی احیان در آن نشیمن جاه و جلال بعضی از
 عمدهای آستان اقبال و باظمان منظام ملک و مال را شرف بار
 داده به تنظیم و تمشیت برخی مصالح و مهمات ضروریۀ سلطنت
 می پردازند و عرائض بعضی داد خواهان و الذماس مظلومان
 بواسطت بار یافتگان بساطت قرب بنظر بیدش در رسیده جواب آنها
 از پیشگاه عدل و مکرمت صادر میشود و درین وقت گاه حرم سرای
 دولت را ساعتی بنور حضور مشرف میدسازند در آن شبستان اقبال
 نیز صدر نشینان مشکوی عزت و احترام و برده گزینان ترقی عظمت
 و احتشام و شرائف عفاف سعادت پیوند و سخدرات عاقله
 هوشمند که بار یافتۀ پیشگاه قرب و خدمت اند احوال مستورات
 محنت زده و بیوگان و یتیمان بموقف عرض میرمانند و حوائج
 آنها بانجاح منقرون گشته هر یک در خور حال از آثار فیض وجود و بر
 و عطای این دولت جاوید بقا کاهید میگردد و چون وقت نماز
 عصر میرسد دگر باره بمسجد مبارک غسلخانه پرتو قدوم گسترده
 فریضه عصر بجماعت ادا می نمایند و بعد از فراغ بخلوت کدۀ دولت
 معارفت فرموده ساعتی دیگر بهوشیار دلی و آگاهی و نظم مهم
 خلقت و جهان پناهی می گذرانند و چون از روز یک دو گهزی باقی
 می ماند از آن خلوتگاه نزر و جاه بر آمده در انجمن خاص غسلخانه
 سریر آرای حشمت و بختیاری میگردند و برخی از مهمات ملک
 و دولت بمرض میرسد و بار یافتگان پیشگاه سلطنت در آن محفل فردوس
 آئین بدستور روز پیشین شرف بار یافته سعادت کورنش می یابند و

(۱۱۰۵)

جمعی از امرا و مناصبداران که نوبت کشک آنها باشد در آن وقت حاضر میشوند و میرتوزکن بهرام صولت و صحبت و یساولان پدشگاه دولت آن فریق را بحسب تفرات پایه و قدر بر دو طرف قور خاصه باز داشته از مردم عمده صفی در پیش می آریند و در عقب آن صفوف دیگر مرتب میدارند و بخشیدان عظام با اشاره والا آنها را بدستوری که درین سلطنت ابد طراز معمول است تسلیم قور می فرمایند و بعد فراغ ازین امر که متصل بوقت شام می باشد چون مؤذن اذان مغرب میگوید شهنشاه یزدان پرست حق آگاه روی دل از هنگامه کثرت و گیر و دار سلطنت بر تافته بخضوع تمام متوجه شنیدن اذان می شوند و پس از استماع آن از هریر گردن نظیر بر خاسته نماز مغرب بجماعت در مسجد ادا مینمایند و بشیعه کریمه خویش جمیع سنن و نوازل با اوراد و وظائف معهوده بجای می آرند و این مراتب بدو گهزی میکشد و بعد فراغ نماز از مسجد برآمده دگر باره در نشیمن والای غسلخانه که از کثرت مشاغل مهر فروغ و نور شمعیهای کافوری زرین لکن و فانوسهای طلائی مه پرتو چون بزم سپهر بچراغمان انجم لبریز نور می شود بر تخت فیروزی بخت جلوس سعادت فرموده بنظم و پرداخت امور ملک و مال و تمشیت مهام دولت و اقبال توجه میدفرمایند و وزیر اعظم درین وقت مهمات کلیده و جزئیات دیوانی بعرض اشرف رسانیده بجوابهای رسا و احکام دولت پیرا که خردمندان درزگار و مدبران امور کار را دستور العمل آگهی و هوشمندی تواند شد ارشاد می یابد و چون چهار گهزی از شب میگذرد و مؤذن اذان عشا میگوید

(۱۱۶)

شهنشاه بیدار بخت از فراز تخت برخاسته اکثر مردم را اذن رفتن از غسلخانه میشود و نماز عشا نیز با جمعی از خواص و نزدیکان بجماعت گزارده بآرامگاه خاص عز و روان می بخشند و روزهای پنجشنبه دیوان اول روز در ایوان سپهر نشان خاص و عام اکتفا نموده دیوان آخر روز در انعقاد مجلس خلد آئین غسلخانه در شب موقوف میدارند و آن شب متبرک با امور دنیوی و مهمات صوری نپرداخته همگی اوقات فائز البرکات مصروف طاعت و عبادت و تحصیل اسباب ثواب اندرزی و سعادت میشود و در شبها چون خاطر مقدس از مشاغل کونیه و وظائف عبادات پرداخته بقصد استراحت و آرام بخلوت گاه انس پرتو قدوم منی گسترند اکثری از شب را با دل بیدار و خاطر آگاه به تیغظ و انتباه و مشغول بپیک پروردگار جهان و تفکر و تدبیر در مصنوعات خالق کون و مکان و شکر و سپاس نعم والی بی منتهای الهی که از پیشگاه فضل و احسان لامتناهی بآن سزوار سریر شهنشاهی و شایسته اورنگ گیتی پناهی عطا شده میگذرانند تا هنگامی که باقتضای بشریت خواب قدیمی اساس را بخت بیدار خواب در می باید در سه گهزی بی اختیار تن به بستر استراحت میدهند و در شبانروزی آسایش و خواب آن بادشاه مالک رقاب زیاده از یک پاجام شب نیست مولفه

• نظم •

هر چه بدالین هوس کم نهاد * بر سر خود بار دو عالم نهاد
 خالق مبدل ز گران باریش * ننده گران خواب زبیداریش
 امید که تا نخلیند قضا به پرورش اشجار ممکنات نصارت بخش

(۱۱۷)

گلشن امکان است بارهٔ اقبال این فیهال سایه گستر بوستان جاه و
جلال پر بار شد و تا نقشبند قدر بدقوش صور موجودات صورت طراز
نگار خانه کون و مکان است نقش بدیع دولت این از رنگ نشین
عظمت و استقلال بر روی کار باشد . * ع *

زین دعاها بر اجابت منت بسیار باد

تمام شد

(۸۵)

یادگار بیگ ۲۰۳ - ۲۴۹ - ۳۰۶ - ۳۳۳	۹۳۰ - ۸۵۳ - ۸۶۶ - ۹۷۵
یادگار خان .. ۶۹۷ - ۷۰۸ - ۷۹۶	لال خان ۸۷۱ - ۹۸۲
یادگار مسعود ۶۵	همایون بادشاه ۲۳۳ - ۴۴۳
یار محمد ۱۰۶۳ - ۱۴۴۶	همت خان ۶۴ - ۹۴ - ۹۷ - ۲۳۹
یزدانی ۲۴۰	۲۴۶ - ۲۹۱ - ۳۴۳ - ۴۰۸ - ۴۳۵
یسونب راو ۶۳	۵۹۴ - ۶۲۷ - ۶۳۴ - ۸۲۳ - ۸۲۹
یعقوب ۶۳۵ - ۵۹۷ - ۶۲	۸۵۴ - ۸۵۶ - ۸۸۰ - ۹۶۶ - ۹۸۱
یکه تازخان ۹۳ - ۱۱۷ - ۱۴۸ - ۲۰۷	هوشدار خان ۶۴ - ۹۴ - ۱۲۷ - ۱۵۷
۲۴۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۹۱ - ۳۵۸	۲۰۲ - ۲۴۶ - ۲۶۷ - ۲۹۴ - ۳۰۲
۵۲۱ - ۵۴۷ - ۶۰۵ - ۸۸۵ - ۱۰۶۲	۳۰۷ - ۳۲۱ - ۳۲۶ - ۳۳۹ - ۳۴۱
یمین الدوله ۱۱۱ - ۱۱۴	۱۴۲۷ - ۱۴۲۸ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۸ - ۱۴۹۰
یوسف خان ۱۰۶۵ - ۲۴۷ - ۷۴۲	۶۱۵۷ - ۶۷۵ - ۷۶۲ - ۷۶۴ - ۸۳۹
۸۸۰ - ۹۶۶	۸۱۴۲ - ۸۷۱ - ۸۷۳ - ۸۸۰ - ۸۸۳
یوسف زئی ۱۰۵۸ - ۱۰۶۷	۹۰۲ - ۹۳۳ - ۹۷۸
یوسف گردیزی ۳۱۷	(ی)
یوسف نیازي ۳۱۴ - ۳۳۱	یادگار ۱۹۳

تمام شد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بر آرای مهر پیرای دانشوران خورده بین و خردمندان والا
تمکین که بسیاھی غواص فکر آلی دل پذیر و درازی بی مثل و
نظیر معانی از قلم طبع بساحل قرطاس آورده گوش هوش سامعین
را زینت تازه می بخشند و هراس اخبار عجیبه و سوانح غریبه
سلاطین نامدار و دیگر امرای والا تبار را بجواهر بیان منجلی
ساخته پذیرای بارگاه سلطنت و پندیده حضرات ملوک عالی
منقبت می گردانند تا عالمیان از احوال پاستانی عبرت گیرند
و پند پذیرند و از افعال قبیحه و خصائل فضیحه که باعث بدنامی
و فراموشی و سبب سوء سرانجامی و وخامت است اجتناب ورزیده
خود را به کارم اخلاق آراسته و به حسن اوصاف پیراسته نمایند
مخفی و محتجب نمایند •

که کتاب عالم گیر نامه فرخنده کتابی ست زیبا و گرامی نفعه

(۲)

دل کشا و گلستانی ست بی خزان و تازه بوستانی ست که هزاران
ریاحین معانی در وی شکفته و خندان اگر بآب زرنگاشته آید بجا و
اگر دفتري از فصاحت خوانم روا •

از رشک کلک گوهر سلک مجلی میدان سخن پروری و مقدم
مضمار انشا پردازي صدر نشین بزم سوانح نگاری زینت بخش محفل
عبارت آرائی جهان گیر ملوک سحر بیانی عالم گیر کشور سخن دانی
منشی بی مثل و بدیل بیقین محمد کاظم بن محمد امین
مشهور بمیرزا کاظم ولد امینای کاشی که در فن انشا علم " انا
ولا غیري " بر افراشته و در رنگین نگاری ربیت " انا افصح " برداشته
و در فصاحت و بلاغت گوی سبقت از همه ربوده و در اعجاز کلامی
شهره آفاق " کالشمس رابعة النهار " بوده طبع انشائی داشت و در
نظم دقتی این بیت از دست

* شعر *

نیست از چاه زرخندان بتان قسمت ماء غیر آبی که ز حسرت بدهان می گردد
اما در بدو حال بمقتضای مشیت ایزدی برخی از اوقات
بگران مایه جوهر زندگانی را دست فرسوده بیحاصلی کرده روزگار
به بطالت می سپرد و یک چند در دام نامساعدی روزگار چون
مرفغ زبرک بسر می برد و در زاویه گم نامی با شاهد ناکامی دست
در آغوش می بود و روی شاهد نامرادی بمرآت حال می نمود و از
خار حسرت عسرت غنچه مرادش چاک چاک می گشت و شوک
خواری و بی اعتباری سینهاش را می خست و بار صفرالیدی
بر خود می کشید و شربت تلخ نهی دستی می چشید •
و چون همای طالعی بهروز آمد و دولتش باروری نمود و توفیق

(۳)

ایزدی را نمایش گردید بآبروی سخن در آغاز نخستین سال
جلوس همایون شرف ملازمت سده ملک احترام منبج آثار عظمت
و جلال مطلع انوار ابهت و اقبال سپهر بلند اخترای سرور اقلیم سری
و سروری والا همت قوی مولت کشف اسلام مرجع انام صبح سیمای
مشرق ضمیر خورشید رای جمشید نظیر نخل پیرای ریاض سعادت
ابدی گل چین حدیقه خلق محمدی حق درست باطل دشمن
زنا گسل بت شکن کامل نصاب جوهر دانش و بیخش مالک
رقاب کشور آفرینش فروغ گوهر خرد فرق کنند میان نیک و بد
سلیمان ثانی صاحب قرانی سلطان ابوالمظفر محی الدین محمد
ارزنگ زیب عالم گیر یافته بپیم مدیح سنجی آن ارزنگ نشین کشور
معانی گوی سبقت از همه زبده و عبارتی رونقی از چهره اقبالش
زرد و بدستگیری طبع سخن سرا از حسیض ذلت و خمبول بر آمده
بر بساط عزت و شرف قبول نشست و بخت غنوده سراز گذارش
هر گرفت و ظلمت زدای اختر طالع گردید و نامیده سعادت و نیک
بختی بنقش ارادت آراسته در سلک بندگی گردید بشکرانه آن
بقلم استعجال صفحه چند بانشاء معامد آن ذات اقدس نگاشته
هدیه انجمن اقبال و تحفه بارگاه عزوجل گردانید *

چونکه در مجلس عزت انصاف و قدر دانی را پایه بلند و از
محاسن عادات و مکرم اخلاق پادشاه ارجمند آن بود که از اصحاب
معانی گلی بیانی می گرفتند و گوهری بگانی می پذیرفتند
آن عبارات معجز آیات پسند خاطر همایون افتاد و اسلوب کلامش
مخیلی ملایم طبع سلطانی آمد *

(۴)

اشاره هادر گردید که بدائع سوانح دولت کرامت آئین و مملکت سعادت قرین که مثل آن دیگر سلاطین نام‌دار و خواقین والا تبار را با وعف جد فراوان و سعی بی‌کران روی نداده بکوشش تمام جمع نموده بی بیش و کم بکلک صدق رقم تبسطیر نماید و تحریر سازد و آن درازگی دل پذیر اقبال را در سلك تالیف انتظام بخشد و آن عرائس اخبار را بحلی تقریر دل چسپ و مرغوب آرایش دهد تا بر صفحه رزگار بادگار ماند و پس ماندگان قافله وجود را اطلاع بر سوانح این عهد سعادت توامان گردد مؤلف را درین عهد سوانح نگاری و کار وقائع نویسی مقرر فرموده حکم عالی شرف نفاق یافت که وقائع نگاران نسخه واقعات سامی فهرست واردات احوال گرمی ماه بماء سال بسال با وقائع صوبجات و سوانح ولایات بدو سپارند و مقرر گشت که هرچه از اخبار و سوانح بحیز تحریر و معرض تبسطیر در آید بعد از ترتیب داستان داستان ازان در خلوت همایون باوقات مناسب معرض اشرف پادشاه برسد •

و حکم فرمودند که چون احوال پادشاه زادگی از حین تولد تا زمان عالم آرائی در کتاب پادشاه نامه مذکور و مسطور ست عنان اسپ بیان ازان سمت معترف داشته بتحریر احوال ایام سلطنت پردازد و از آغاز انکشاف صبح کشور کشائی که در جمادی الاولی سنه یک هزار و شصت و هفت هجری بوقوع آمده داستان طراز گشته هرده ساله احوال را یک مجاد سازد بر طبق فرمان سلطانی مؤلف این کتاب سوانح ایام سلطنت پروری وقائع ازمنه

(۵)

معدلت گمتری از جمادی الاولی سنه مذکور تا رجب المرجب سنه هزار و هفتاد و هشت هجری اعنی ده ساله احوال ایام سلطنت و کامرانی و اعیان خلافت و جهان بانی آنچه از قوه بفعل آمده بود بعبارت دل پذیر بدیع اسلوب و فقرات رنگین و مرغوب بطرز بدیع و وضعی منیع که پذیرای طبع دشوار پسندان کارگاه سخن دانی و دقائق شناسان رموز الفاظ و معانی تواند بود بمعرض تحریر در آورده داد انشا پروردازی در داد *

و چون بندگان حضرت اعلی خاقانی بمقتضای دانش خدا داد و فطرت بلند و علوهیت و وسعت حوصله ابقه آثار ظاهر را در جذب محور آن وقتی نه نهاده بتاسیس مآثر باطن بیشتر توجه داشتند بعد از تدریس واقعات ده ساله حکم حقیقت شیم صادر شد که گذارنده داستان مفاخر و مکارم محمد کاظم مصنف کتاب مستطاب عالمگیر نامه من بعد وقایع را بقید کتاب در نیارود لهذا او هم بدان قدر اکتفا نمود. و پس از وفات پادشاه عنایت الله خان مرید خاص عالم گیر در عهد پادشاه ابوالنصر قطب الدین شاه عالم پادشاه غازی محمد ساقی مستعد خان را باعث شد که باقی احوال چهل ساله و کسری بقید تحریر در آورد *

و مؤلف درین صحیفه تصریح باسم اورنگ زیب نه نموده در هر جا ازین بلفظی شریف و عبارتی بدیع که مناسب مقام ست چون شهنشاه گیتی پناه - و شهنشاه دانش آئین - و شهنشاه آفاق - و بادشاه دادگستر - و خاقان جهان - و خدیو فیروز بخت کام یاب - و آنحضرت * و شاه جهان را باعلی حضرت و حضرت اعلی نام برده -

(۶)

و از دارا شکوه و شجاع بی شکوه و ناشجاع سخن سرانیده *
و چون ولد امینا از ذکر حبس کردن عالم گیر پدر پیر خود
شاه جهان را تا هشت سال و ده همان حال انتقال کردنش
بدارالبقا و همچنین دیگر سوانح ناپسندیده و وقایع غیر حمیده که
در اوائل ایام سلطنت او صورت بسته اغماص نموده مجملی از آن
در اینجا بطور نمونه ذکر کرده می شود *
در سنه یک هزار و شصت و هفت هجری شاه جهان را که بعدالت
و انصاف و فطانت و کدایت معروف بود بمقتضای مشیت ایزدی
عارضه حبس بول ظاهر شد و بالتماس دارا شکوه بسواری کشتی
عمره دل کشای اکبرآباد از پرتو رایات جاه و جلال مطلع خورشید
اقبال گشت و تا غره ربیع الثانی سنه مذکور بمنزل دارا شکوه اقامت
داشته بتاریخ غره شهر مذکور نهضت فرمای ایوان شهریاری و
زیبت بخش کاخ معدلت گستری گردید و زیبت تازه بخشید
تا این سال انجام امور سلطنت و انصرام کارهای مملکت
بلاستقلال بقبضه اقتدارش بود و رتق و فتق هر امور می فرمود
چون عارضه جسمانی بر پیکر مقدس و عذصر همایون طاری شده
مزاج اشرف از منهج صحت و قانون اعتدال منحرف گشت و ایام
کوفت امتداد یافته ضعف قوی روز بروز سست تضاعف و اشتداد
می پذیرفت از آن جهت بنظم و نسق امور جهان داری انواع
اختلال راه یافته فساد عظیم در مملکت هندوستان بهم رسید و صهر
خزان بی انتظامی بگلاستان مملکت وزید دارا شکوه که همیشه
خلعت استحقاق امور کشور کشائی و جهان بانی بمقراض طمع بر

(۷)

قامت خود می برید و خود را از دیگران احق می دید هنگام
 مرض شهنشاه زمان خسرو دوران انتهاز فرصت نموده زمام اختیار
 سلطنت بقبضه اقتدار خود در آورد و دست استقلال آن حضرت از
 مراتب ملک و مال کوتاه ساخته باقتضای رای خود جمیع کارهای
 مالی و ملکی انجام می کرد اورنگ زیب که در آن وقت بملک دکن
 اقامت میداشتند و در نظم و نسق آن نواحی مشغول بودند چون
 اخبار بیماری پدر بزرگوار خویش و بی اختیاری او و اقتدار دارا
 شکوه در امور جهان پائی و دادگستری امضا فرمودند مصلحت در
 امهال و صلاح در اهمال ندیده باشتهار عزم شرف ملازمت والد امجد
 از خطه اورنگ آباد نهضت فرمای سمت دار الخلافه شاه جهان
 آباد گردیدند و در اثنای راه با مهاراجه جسونت سنگه و دیگر
 امرا و افواج پادشاهی که باشاره دارا شکوه سد راه بودند مقاتله
 کنان و محاربه و زان باحصول غلبه و نصرت تا مقام اعزآباد نزول
 اجال ارزانی داشتند آخر چون پدر و برادر را مغلوب یافتند بروزجمعه
 غره ذی قعدة سنه یکه هزار و شصت و هشت هجری در عمارت
 دل پذیر اعزآباد مجلسی دل کشا و جشنی جهان آرا باهتمام
 امرای موافق ترتیب داده بعد انقضای پانزده گهری و بیست و
 دوپل روز مذکور مطابق شش ساعت و نه دقیقه نجومی بر سرپیر
 فرمان دهی بی ادای رسوم که سلاطین نامدار و الا تبار را حین
 جلوس بر اورنگ دولت معمولی و ضروری ست جلوس لجال
 فرموده بسبب طمع سلطنت و حرص مملکت پدر پیر خود را
 محبوس فرمودند *

(۸)

و تا هشت سال جلوس عالم گیر شاه جهان بزندان مانده در همان قید از زندان بدن پس از سی و یک سال و در ماه سلطنت باوانلر، شب دوشنبه بیست و ششم شهر رجب المرجب سنه یک هزار و هفتاد و شش هجری داهی اجل را لبیک اجابت فرمود تاریخش

• شاه جهان وفات کرد • و نیز • بیت •

سال هجری فوت شاه جهان • رضی الله - گفت اشرف خان

و هم • مصراع • ز عالم سفر کرد شاه جهان • یافتند

اگرچه ذات مستجمع صفات آن پادشاه دین پناه بحر علوم خدایگانی و معدن خصائل جهان بانی موصوف بحکمت و شجاعت و دانشمندی در امور سلطنت بود اما از مطاعن عقوق پدر و سفک دماء برادر و تعدیب بعضی از اولاد و تجویز قتل جماعه مسلمین در محاربات بیجاپور و حیدرآباد و غیره ممالک دکن صرف بطمع متکثر دنیوی که این همه در پرده حیل شرعیه اجرا می نمود خالی نبود •

تمام شد این عجاله ناقه در اخصر واهم احوال کتاب عالمگیرنامه -

بحکم عالم علوم عربیه و فارسیه علامه زمان پروفیسر مستر ایچ بانخمان صاحب بهادر ام اے سکریٹری اشیاتلک سوسائٹی اف بنگال - رقم زدہ شکستہ قلم - خاکسار عبدالحی مدرس مدرسہ عالیہ کلکتہ عفا عنہ اللہ و رحم • و فہرست مفصلہ اسماء رجال و مواضع واقع عالم گیر نامہ عنقریب بحلیہ طبع جلدہ گرو متبذختر شدنی ست •



فہرست اسماء و موضوع واقع در کتاب
عالم گیر نامہ بترتیب حروف تہجی *

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

• | •

آرہ • ۹۷۲ •

آشام • ۵۸۶ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۷۰۰ -

۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۶ - ۷۱۲ - ۷۱۵ - ۷۱۹ - ۷۲۲ - ۷۲۶ - ۷۴۱ -

۷۶۷ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۸۰ - ۷۸۳ - ۷۸۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۵ - ۸۰۷ -

• ۹۵۸ - ۸۱۰ •

آنچہرہ • ۱۸۸ •

آرہ • ۷۲۳ •

آمن محل • ۲۷۲ •

آوارہ • ۱۲۷ - ۲۳۷ - ۳۶۰ - ۴۷۵ - ۶۰۴ - ۷۶۵ - ۸۷۴ - ۸۸۵ •

آٹک • ۵۶۸ - ۸۸۵ - ۱۰۴۲ - ۱۰۴۵ - ۱۰۴۶ •

اجمیر • ۱۱۹ - ۲۰۵ - ۲۹۲ - ۲۹۵ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۴ - ۳۱۰ - ۳۱۱ -

۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۵ - ۳۳۴ - ۳۳۶ - ۳۴۵ -

۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۳ - ۵۱۸ - ۶۳۱ - ۱۰۵۶ •

اجین • ۳۲ - ۱۸۳ •

احمد آباد • ۱۹۷ - ۲۹۷ - ۳۰۴ - ۵۶۶ - ۶۳۴ •

احمد پور • ۴۵۶ •

احمد نگر • ۹۵۷ •

(۴)

ایوان چهل ستون * ۳۵۱ - ۳۶۲ - ۵۹۱ - ۸۵۴ *

* ب *

باري * ۱۰۵۰ *

باغ نور منزل * ۱۱۸ *

بالا پور * ۸۸۵ - ۴۵۴ *

بانس برکه * م * بانس بريلي * ۵۲ *

بانسي * ۷۸۱ *

بخارا * ۶۲۸ - ۶۳۷ - ۶۶۲ - ۶۶۴ - ۷۳۸ - ۸۶۳ - ۱۰۴۹ - ۱۰۵۱ - ۱۰۶۳ *

بدخشان * ۶۰۵ *

برار * ۱۹۹ *

برمه پتور * ۶۸۵ - ۶۹۴ - ۶۹۷ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ -

* ۷۱۳ - ۷۱۷ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۷ - ۷۳۳ - ۷۷۶ *

برده * ۹۸۶ *

برهان پور * ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ - ۴۸ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۶ - ۹۱ -

* ۲۰۹ - ۲۱۹ - ۲۹۹ - ۴۳۸ - ۱۰۲۷ - ۱۰۵۱ *

بري تله * ۶۸۳ - ۶۸۴ *

بريائي * ۲۶۸ *

بصره * ۶۱۹ - ۶۳۶ *

بقلازه * ۳۳۷ *

بگت گده * ۹۰۵ *

بگله گهات * ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ *

بلا چور * ۱۸۵ *

(۵)

باغ * ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۸۴۸ - ۸۶۴ - ۸۸۶ *

بهری جوگی ہندی * ۸۲۲ *

بلوچ پور * ۸۱ - ۸۲ *

بذاس * ۶۹۹ - ۷۰۰ *

بذارس * ۲۹ - ۱۹۳ - ۲۲۲ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۹ - ۳۲۲ - ۳۹۲ - ۶۲۷ -

* ۷۵۸ - ۸۷۵ *

بذیج زنی * ۶۹۷ *

بذیرابن * ۳۴۴ *

بذگالہ * ۲۹ - ۳۱ - ۱۴۱ - ۱۷۵ - ۱۸۰ - ۲۱۱ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۶۴ -

۲۶۶ - ۲۶۸ - ۲۷۱ - ۳۶۹ - ۴۰۶ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۲ - ۴۳۳ -

۴۳۵ - ۴۴۰ - ۴۴۴ - ۴۴۶ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۳ - ۴۷۱ - ۴۷۶ -

۴۷۷ - ۴۷۹ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۹۵ - ۵۶۱ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ -

۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۷ - ۶۳۲ - ۶۳۴ - ۶۴۹ - ۶۷۳ - ۶۷۶ - ۶۷۷ -

۶۷۸ - ۶۸۰ - ۶۸۲ - ۶۸۷ - ۷۱۷ - ۷۲۲ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۶۱ -

۷۷۶ - ۷۸۲ - ۸۰۹ - ۸۱۲ - ۸۱۵ - ۸۴۸ - ۸۵۳ - ۸۵۵ - ۸۵۸ -

۸۵۹ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۸۰ - ۸۸۲ - ۹۱۱ - ۹۲۲ - ۹۴۱ - ۹۴۲ -

۹۴۶ - ۹۵۵ - ۱۰۳۴ - ۱۰۴۰ - ۱۰۵۷ - ۱۰۶۲ - ۱۰۶۸ *

بذولہ * ۵۱ *

بوریہ * ۱۴۶ - ۱۴۸ *

بہادر پور * ۱۲۴ - ۴۲۲ - ۹۷۸ *

بہار * ۱۲۷ - ۲۱۱ - ۲۲۳ - ۲۴۰ - ۵۸۹ - ۶۴۹ - ۹۲۲ *

بہاگرتی * ۵۲۴ - ۵۲۶ *

(۶)

بہانچہا * ۶۹۷ *

بہرائیج * ۸۲۷ - ۸۱۸ - ۵۹۳ - ۳۴۱ *

بہرہ * ۱۰۴۱ - ۱۹۸ - ۱۹۷ *

بہکر * ۲۸۱ - ۲۸۳ - ۲۷۵ - ۲۷۴ - ۲۷۳ - ۲۳۰ - ۲۲۱ - ۲۱۲ - ۲۰۵ *

* ۱۰۴۹ - ۶۲۵ - ۴۸۱ - ۴۱۵ - ۴۱۴ - ۴۱۱ - ۳۰۵ *

بہکرفاتہہ * ۱۷۸ *

بہلقن * ۱۰۰ *

بہلسہ * ۳۴۶ - ۳۸۱ *

بہلوی * ۱۰۲۶ *

بہلورہ * ۹۴۸ - ۹۴۳ - ۵۶۰ - ۵۵۹ - ۵۵۸ *

بہنڈپر * ۸۲۲ - ۸۲۱ - ۸۲۰ *

بہند ادبک * ۹۰۵ *

بہوتنت * ۶۹۰ - ۶۸۸ *

بہرم * ۱۰۲۱ *

بہیرہ * ۱۹۷ *

بہیور * ۱۰۰۳ *

بہیورہ * ن * بیہمرہ - بہیورہ - بہیورہ * ۵۸۵ - ۱۰۰۰ - ۱۰۱۹ *

بہیسا * ۵۷۳ *

بہیہ * ۱۴۴ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۷ - ۱۹۹ - ۲۰۵ - ۲۷۲ *

بہیچاپور * ۲ - ۴۵ - ۴۷ - ۸۳ - ۴۷۱ - ۵۷۰ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ -

۵۷۸ - ۵۹۸ - ۸۵۱ - ۸۶۰ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۹ -

۹۷۰ - ۹۸۸ - ۹۹۷ - ۹۹۸ - ۱۰۰۰ - ۱۰۰۲ - ۱۰۰۶ - ۱۰۰۷ - ۱۰۰۴ -

(۷)

• ۱۰۱۷ - ۱۰۹۹ - ۱۰۲۲ - ۱۰۲۹ - ۱۰۳۷ - ۱۰۵۱ •

بیجا گده • ۱۹۹ •

بیج هزاره • ۸۳۵ •

بیدراتیه • ۵۶۸ •

بیر بهوم • ۴۹۶ •

بیسوارزه • ۴۵۰ •

بیکام • ۵۷۱ •

بیگم آبان • ۸۳۶ - ۸۳۷ •

بیل تلی • ۸۰۷ •

پ *

پیرالدهپر • ۴۹۵ •

پالم • ۸۷۵ •

پانزی پست • ۲۲۰ - ۸۴۹ •

پاندو • ن - ماندو - ناندو • ۷۰۰ •

پنام • ۸۰۷ •

پنوره • ن • پنوره • ۵۱۶ •

پتن • ۲۱۳ - ۶۰۴ •

پنده • ۲۹ - ۳۱ - ۱۲۱ - ۱۶۸ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۹۱ - ۲۱۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ •

• ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۳۶ - ۲۳۹ - ۲۸۶ •

پرناله • ۵۷ - ۵۷۸ •

پروفده • ۵۹۶ - ۸۸۲ - ۸۹۱ - ۱۰۰۳ - ۱۰۰۶ - ۱۰۱۹ - ۱۰۲۱ •

پشاور • ۱۷۸ - ۱۰۴۲ - ۱۰۴۴ •

(۸) .

پکس کھول * ن * پلس کھول * ۹۰۵ *

پگہلی * ۱۰۴۲ *

پلاون * ۶۴۸ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۳ - ۶۶۰ - ۶۶۳ - ۶۶۵ - ۶۷۲ - ۶۸۶ *

پلٹن * ۹۹۰ - ۹۹۱ *

پنجاب * ۱۴ - ۱۳۹ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۷۱ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۳۰۱ -

۲۲۵ - ۲۱۶ - ۲۱۵ - ۱۹۳ - ۱۸۱ - ۱۸۰ - ۳۵۰ - ۳۱۹ - ۶۶۱ -

* ۸۶۳ - ۷۶۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ *

پوربا * ۴۵۰ *

پورکھوڑا * ن * پور دکھوڑا * ۸۹۶ *

پورنکھنر * ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۹۰۰ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ -

۹۰۶ -

پونار * ۱۰۲۷ *

پونج * ۸۲۰ *

پونڈ * ۵۷۵ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۸۸ -

۸۹۳ - ۸۹۶ - ۸۹۹ - ۹۰۳ *

پہنی * ۹۵۳ *

پہلور * ۷۶۶ *

* تا *

قاراگڈہ * ۲۶۴ *

تامی کنوچ * ۸۹۶ *

تبت * ۸۲۶ - ۸۳۲ - ۸۳۸ - ۸۶۰ - ۹۲۳ - ۱۰۶۳ *

تپکی * ۸۹۶ - ۹۰۳ - ۹۰۵ *

(۹)

تپکي * ن * ننگي * ۸۹۶ - ۹۰۳ - ۹۰۵ *

تودي پور * ۵۵۴ - ۵۵۵ *

ترمهاسي * ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۸۰۵ *

ترهار * ۵۶۵ *

ترهت * ۸۵۲ - ۱۰۴۹ *

تکونه * ۸۹۶ - ۹۰۳ - ۹۰۵ *

تلچاپور * ۱۰۰۷ - ۱۰۰۸ - ۱۰۱۴ - ۱۰۱۹ *

تلکوکن * ۵۸۴ - ۸۹۳ *

تلون * ۱۴۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۸۰ - ۱۸۲ *

تلوندي * ۷۶۶ - ۷۶۸ *

تلينه * ۲۰۵ *

توده * ۳۰۵ - ۳۳۶ *

توران * ۳۹۲ - ۴۴۲ - ۶۰۶ - ۱۰۳۵ - ۱۰۵۰ *

تهانيسر * ۲۲ *

تير * ن * تير * ۹۹۱ * ۱۰۱۴ *

* ت * *

تاندک * ۴۶۱ - ۴۷۶ - ۴۸۳ - ۵۵۳ - ۵۵۷ *

تنه * ۲۱۷ - ۲۷۵ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۹۵ - ۴۸۵ - ۶۲۷ - ۷۷۸ - ۱۰۴۸ *

* ج *

جالپور * ۴۵۴ *

جالندر * ۲۱۹ *

جام * ن * هالار * ۷۶۸ *

(۱۰)

* چکدیه * ۹۴۳

* جلال آباد * ۱۲۸

* جملهره * ۷۱۳ - ۷۲۵ - ۸۰۷

* جهون * ۱۷۹ - ۱۹۶ - ۳۲۰ - ۶۰۹ - ۷۵۷ - ۷۶۸ - ۸۴۰ - ۸۴۳ - ۸۴۷

* ۸۵۹ - ۸۷۶ - ۸۸۵ - ۹۰۶ - ۹۱۷ - ۹۶۵

* جذیر * ۸۸۸ - ۸۹۳

* جوده پور * ۱۸۳ - ۲۸۸ - ۳۰۰ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲

* جورا گده * ۱۹۲

* جوگی کمپه * ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹

* جون * ۷۶ - ۱۱۱ - ۱۲۱ - ۱۲۶ - ۱۵۹ - ۱۶۷ - ۲۳۳ - ۴۵۰ - ۴۷۹ - ۶۲۱

* ۶۴۳ - ۶۶۴ - ۸۴۹ - ۹۷۸

* جونا گده * ۲۸۳ - ۵۶۴ - ۷۶۸ - ۷۷۰

* جون پور * ۴۱۵ - ۴۳۹ - ۴۶۳ - ۴۸۷ - ۴۷۸ - ۸۵۳ - ۸۵۹ - ۱۰۵۰

* ۱۰۵۷

* جهانگیر پور * ۵۳

* جهانگیر نگر * ۳۳۶ - ۴۶۱ - ۴۷۷ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸

* ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۳ - ۶۸۹ - ۷۱۲ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۹۹

* ۹۴۸

* ججی * ۲۷۲

* جیاسه * ۵۱۸

* جیسلمیر * ۲۲۱ - ۲۷۵

* جیل ماری * ۵۲۸

(۱۱)

* ج *

چانگام * ۵۵۶ - ۵۵۸ - ۵۶۰ - ۹۴۰ - ۹۴۳ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ -

* ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۶ *

چانگ نگر * ۴۹۶ *

چانگ * ۸۰۲ - ۸۱۰ *

چانگه * ۵۷۴ - ۵۸۴ - ۵۸۵ *

چاند پور * ۱۷۱ *

چانده * ۴۷۵ - ۱۰۲۲ - ۱۰۱۳ - ۱۰۲۴ *

چاندي * ۱۷۳ - ۲۹۳ *

چناب * ۲۱۶ - ۸۳۷ - ۸۳۹ *

چنانه * ۴۱۸ - ۴۹۳ - ۵۹۴ - ۱۰۲۷ - ۱۰۲۸ *

چنبل * ۷۹ - ۸۰ - ۸۵ - ۸۹ - ۹۰ *

چنپال * ۲۱۷ *

چنپه * ۸۴۳ - ۸۴۷ *

چنده اولي * ۳۴۳ *

چنگش هتي * ۸۲۳ *

چوراگده * ۱۹۲ - ۲۱۸ *

چور نراينه * ۵۶ *

چول * ۲۸۳ - ۲۹۶ *

چوناگده * ۲۸۳ *

چوهرميل * ۲۱۷ *

چهاچل * ۱۰۴۲ *

(۱۲)

چیت پور * ۵۵ - ۵۴ *

چٹن پور * ۷۵۰ *

چیرل * ۹۰۵ - ۵۷۴ *

* ح *

حیدرآباد * ۸۸۵ *

حضر موتا * ۱۰۳۵ - ۸۸۵ - ۸۸۳ *

حیدرآباد * ۱۰۱۹ *

* خ *

خان پور * ۸۲۶ - ۸۲۱ *

خاندیس * ۴۳ - ۴۶ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۶ - ۱۹۱ - ۱۹۶ - ۲۱۸ - ۲۱۹ *

* ۲۳۳ - ۲۴۲ - ۸۷۳ - ۹۷۲ - ۱۰۲۷ - ۱۰۵۷ *

خانوة * ۶۳۴ *

خنا * ۷۲۲ *

ختن * ۷۲۲ *

خضر پور * ۶۸۳ *

خضرآباد * ۱۴۰ - ۱۴۲ - ۱۴۶ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۳۴۶ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ *

۴۴۳ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۷۵۶ - ۷۶۵ - ۸۴۹ - ۸۷۵ - ۹۲۴ - ۹۳۶ - ۹۳۷ *

* ۹۸۵ - ۹۸۳ *

خضری * ۴۲۵ *

خلم * ۴۴۳ *

خوشاب * ۱۹۹ - ۱۰۴۱ *

خیرآباد * ۱۶۱ - ۸۶۲ *

(۱۳)

* ۵ *

داور * ن * دهدهر ۴۰۸ - ۴۱۲ - ۴۱۵ - ۴۳۰ *

در بهنگه * ۶۵۰ - ۸۵۰ - ۹۸۶ *

درنگ * ۷۲۵ - ۸۱۱ *

دکن * ۲۵ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۲ - ۳۰ - ۳۳ - ۳۴ - ۴۵ - ۵۳ - ۵۶ - ۱۲۷ -

۱۲۹ - ۱۵۷ - ۱۹۲ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۳۰۱ - ۳۳۸ - ۳۶۹ - ۳۹۴ - ۴۱۶ -

۴۱۷ - ۴۲۶ - ۴۳۹ - ۴۴۶ - ۴۵۴ - ۴۷۱ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۸۵ - ۵۶۵ -

۵۶۶ - ۵۶۸ - ۵۷۰ - ۵۷۸ - ۵۸۶ - ۵۸۹ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۶۰۶ - ۶۱۹ -

۶۲۶ - ۶۳۰ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۷۵ - ۷۳۳ - ۷۶۱ - ۷۶۳ - ۸۲۷ - ۸۳۳ -

۸۵۱ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۷ - ۸۶۰ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۴ -

۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۷ - ۹۶۰ - ۱۰۱۳ - ۱۰۱۸ - ۱۰۲۹ - ۱۰۳۰ - ۱۰۳۶ -

* ۱۰۳۹ - ۱۰۶۱ *

دکن کول * ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۵ - ۷۳۶ - ۸۰۸ *

دولت آباد * ۴ - ۴۴ - ۱۵۸ - ۱۹۰ - ۱۹۳ - ۱۹۳ - ۲۱۹ - ۲۹۰ - ۴۱۶ -

* ۵۷۵

دوله * ۷۲۲ *

دهاپه * ۵۵۷ *

دهار * ۵۷ *

دهار سیون * ۲۰۰۷ - ۱۰۱۸ - ۱۰۱۹ *

دهارور * ۱۰۱۸ *

دهامونی * ۱۹۲ - ۲۱۸ *

دهر مات پور * ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ *

(۱۴)

دهلي * ۸۷ - ۱۰۸ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۵ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۹ - ۱۴۳۱ *

دهندیره * ۶۳۲ *

دهذک * ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۲۳ - ۷۳۵ - ۸۰۴ *

دهن کوت * ۸۲۸ *

دهوکی * ۱۰۱۴ *

دهول پور * ۷۹ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۹ *

دیداپور * ن * دیناپور * ۵۰۲ *

دیدال پور * ۵۵ - ۵۷ - ۱۹۷ - ۲۰۵ - ۴۶۴ - ۸۴۶ - ۸۷۵ *

دیکهو * ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۹ - ۸۰۱ - ۸۰۴ *

دیندی پور * ۸۳۵ *

دیویانی * ۷۳۵ - ۷۸۳ *

دین * ۲۴۴ - ۶۰۱ *

دیورانی * ۳۱۴ *

دیوگده * ۱۰۲۶ - ۱۰۲۷ - ۱۰۲۸ - ۱۰۲۹ *

دیول گانو * ۷۱۸ - ۷۷۷ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۱۰ *

* د * *

درو سریه * ن * درو سریه * ۷۰۳ - ۸۱۰ - ۸۱۱ *

* ر * *

راجپور * ۸۶ *

راج گده * ۵۸۰ - ۸۹۵ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۳ - ۹۰۶ *

راجوا * ۵۸۳ *

راجوز * ۸۳۸ *

(۱۵)

رامپو * ن * رامپو * م * رامور * ۹۵۳ - ۹۵۴

رام سر * ۳۰۶ - ۳۳۶ *

رادي * ۲۱۶ *

راهون * ۱۸۵ - ۱۹۷ - ۱۹۸ *

رتن پور * ۸۷۶ *

رخدک * ۴۸۴ - ۵۵۶ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۹۴۰ - ۹۴۲ - ۹۴۵ *

۹۴۷ - ۹۵۴ *

ردر مال * ۹۰۵ *

رنگا مائي * ۴۹۵ - ۶۸۲ - ۶۸۴ - ۶۹۴ *

روپ گنده * ۹۰۵ *

روهر * ۱۶۳ - ۱۸۳ - ۱۸۴ *

روهيرو * ۸۹۵ - ۹۰۳ - ۹۰۵ *

رهتاس * ۲۲۵ - ۳۵۵ - ۴۷۵ - ۶۳۰ - ۸۵۳ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۷۶ *

* س *

سا پور * ن * ساسور * ۵۸۲ *

سات سور * ۱۰۱۴ *

ساسور * ۸۸۸ - ۸۸۹ *

ساگر گنده * ۹۰۵ *

سنگهرو * ۲۰۱ *

ستلج * ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۷ - ۱۶۴ - ۱۸۰ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۹ - ۱۹۲ -

۱۹۴ - ۱۹۷ - ۲۰۵ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۷۲ - ۷۶۶ - ۸۴۸ *

سديک * ۷۴۵ *

(۱۶)

سرگنچ * ۲۹۷ *

سرمور * ۲۲۱ - ۲۳۱ - ۴۴۱ - ۵۶۴ - ۷۶۵ - ۸۴۹ *

سرن گهات * ۴۵۸ - ۴۵۷ *

سروپ گده * ۹۰۵ *

سرهذک * ۱۷۹ - ۸۴۹ *

سری پوز * ۵۵۷ *

سری گهات * ۷۰۰ - ۷۰۱ *

سری نگر * ۱۶۷ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۹۹ - ۲۹۳ - ۴۲۱ -

۴۴۱ - ۴۷۹ - ۵۸۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۴ - ۶۱۸ - ۶۲۵ - ۷۲۲ - ۷۵۷ -

۸۷۲ - ۸۸۱ - ۹۲۲ *

سکندریه * ۳۴۶ *

سرول * ۵۷۹ - ۵۸۰ *

سکپر * ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۸ - ۲۸۴ *

سپانی * ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۸۰ *

سلطان پوز * ۱۶۹ - ۱۸۲ - ۱۹۸ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۴۵۵ - ۱۰۵۷ - ۱۰۶۷ *

سلیم پوز * ۱۲۸

سلیم گده * ۴۷۸ - ۶۰۲ *

سمرقند * ۲۷۱ *

سموگر * ۱۱۱ - ۱۱۲ *

سند * ۴۱۷ - ۴۱۸ *

سندر بازی * ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۲۲۷ - ۴۷۴ *

سنگرام گده * ۹۴۳ *

(۱۷)

- * ۶۹۲ * هنکوس
- * ۸۹۱ - ۵۷۹ - ۵۷۸ - ۵۷۵ * سوپه
- * ۵۲۸ * سوتی
- * ۸۵۱ - ۸۲۷ - ۷۶۸ - ۷۶۵ - ۶۶۴ - ۶۱۸ - ۶۰۶ - ۴۷۱ - ۲۹۸ * سمونک
- * ۱۰۶۷ - ۱۰۵۷ - ۹۷۷ - ۸۸۰
- * ۴۶۳ - ۴۶۰ - ۲۳۹ - ۲۳۸ - ۲۳۷ - ۲۳۶ - ۲۳۵ * سوژون
- * ۱۰۱۹ - ۱۰۰۲ * سولا پور
- * ۸۰۶ - ۷۸۷ * سولا کوروی
- * ۷۱۶ * سورله گده
- * ۵۷۸ * سورن بیری
- * ۹۰۵ * سورن گده
- * ۸۵۰ - ۶۷۵ * سونپی پست
- * ۱۳۸ - ۱۲۶ * سهارن پور
- * ۸۴۸ - ۷۶۵ - ۷۵۹ - ۲۲۰ - ۲۱۹ - ۱۶۶ - ۱۴۲ - ۱۲۶ * سهرنگ
- * ۶۳۲ * سهره
- * ۱۰۱۹ * سهری
- * ۵۴۶ * سیتل گهات
- * ۷۲۳ - ۷۰۴ * سیدماه گده
- * ۱۰۱۹ * سین
- * ۸۹۵ - ۵۸۱ - ۵۸۰ * سیوا پور
- * ۱۰۴۸ - ۸۸۱ - ۴۴۷ - ۴۰۰ - ۲۸۰ - ۲۷۷ - ۲۷۶ * سیکوسدان

(۱۸)

• ش •

شاجه مرگ * ۸۲۱ *

شاه آباد * ۲۱۹ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۷۰ - ۸۷۴ *

شاه جهان آباد * ۲۷ - ۸۹ - ۸۲ - ۱۲۳ - ۱۲۳^۰ - ۱۲۵ - ۱۲۹ - ۱۳۸ -

۱۴۲ - ۱۴۵ - ۱۶۴ - ۱۷۳ - ۱۸۹ - ۲۰۱ - ۲۱۱ - ۲۱۶ - ۲۲۰ -

۲۲۱ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۳۰۴ - ۳۳۵ - ۳۴۳ - ۳۴۷ - ۳۸۱ - ۴۰۸ -

۶۱۰ - ۶۲۵ - ۷۵۹ - ۸۲۷ - ۸۴۵ - ۸۴۹ - ۹۳۹ - ۹۶۱ - ۹۷۲ -

* ۹۷۳ - ۹۷۷ - ۱۰۶۶ - ۱۰۶۷ *

شاه جهان پور * ۱۶۹ *

شاه نهر * ۴۳۵ *

شکر پور * ۴۷۹ *

شمس آباد * ۱۴۶۱ - ۱۴۶۳ *

شهباز گده * ۱۰۵۸ - ۱۰۸۹ *

شیر پور * ۵۵۴ *

شیر حاجی * ۱۴۲۳ - ۱۴۲۴ - ۱۴۲۵ - ۹۳۳ *

• ص •

صاحب آباد * ۲۳۳ *

• ظ •

ظفر آباد * ۶۲۴ *

ظفر نگر * ۵۶۷ *

• ع •

عالمگیر نگر * ۶۹۴ - ۹۴۳ - ۹۶۶ *

(۱۹)

* عمان پور * ۲۸۹ *

* عمان * ۳۵۲ *

* غ *

* غزنین * ۱۹۵ - ۲۳۱ - ۶۲۵ - ۶۴۷ - ۳۳۴ - ۸۸۵ - ۹۸۱ - ۱۰۶۱ *

* ف *

* فتح آباد * ۵۶۵ - ۷۶۶ - ۱۰۱۸ - ۱۰۲۱ - ۱۰۳۹ *

* فتح پور * ۲۴۰ - ۲۸۷ - ۳۴۰ - ۴۲۴ - ۶۳۴ *

* فرخ آباد * ۹۷۴ - ۹۸۴ *

* فرمان بازي * ۵۰ - ۵۱ *

* فیروزه * ۲۲۱ - ۲۷۵ *

* فیروز پور * ۴۵۵ *

* فیض آباد * ۸۴۹ *

* ق *

* قباچاق * ۹۲۳ *

* قراباغ * ۱۰۳۹ *

* قلعه بابر * ۱۲۰ *

* قلعه جمدهر * ۷۰۳ - ۷۰۴ *

* قلعه چاندور * ۱۶۳ *

* قلعه دیوکن * ۶۵۰ *

* قلعه کجلی * ۸۱۰ - ۸۱۱ *

* قلعه کندلا * ۶۵۰ - ۶۵۱ *

* قلعه کفوارې * ۸۹۶ *

(۲۰)

قلعه کوتلی * ۶۵۲ - ۶۵۱ - ۶۵۰ *

قندھار * ۱۸۸ - ۲۰۵ - ۲۷۵ - ۴۱۲ - ۴۱۴ - ۴۷۶ - ۵۶۶ - ۶۰۸ - ۹۸۹ -

* ۱۰۳۱

کابل

* ۱۲۹ - ۱۷۸ - ۱۹۰ - ۱۹۳ - ۱۹۵ - ۲۱۵ - ۲۱۹ - ۳۰۲ - ۳۰۸ -

۳۳۹ - ۳۴۳ - ۴۱۹ - ۴۴۲ - ۴۵۴ - ۴۵۷ - ۴۷۵ - ۴۸۱ - ۴۸۵ - ۴۸۶ -

۴۸۷ - ۶۰۳ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۵ - ۶۴۷ - ۶۶۱ - ۷۴۱ - ۷۵۲ -

۷۶۱ - ۸۳۴ - ۸۴۲ - ۸۴۷ - ۸۵۸ - ۸۶۴ - ۸۷۷ - ۹۱۳ - ۹۵۷ - ۹۷۳ -

۹۸۲ - ۹۸۳ - ۱۰۳۴ - ۱۰۳۸ - ۱۰۳۹ - ۱۰۴۰ - ۱۰۴۲ - ۱۰۵۷ -

* ۱۰۶۰ - ۱۰۵۸

کاپرونده * ۵۶ - ۵۷ *

کاشغر * ۵۶۵ - ۸۵۸ - ۸۶۱ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۲۳ - ۹۸۳ - ۱۰۳۹ - ۱۰۶۲ -

* ۱۰۶۴

کاکوجان * ۷۹۴ *

کالی بهیت * ۷۷ *

کامروپ * ۶۷۸ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۷۱۵ - ۷۲۱ - ۷۷۶ *

کانگزه * ۱۹۹ - ۲۱۷ - ۲۸۶ - ۲۹۲ *

کانوداهن * ۸۴۷ *

کانه تال * ۱۷۴ *

کجیل * ۶۸۰ *

کچ پور * ۷۲۸ - ۷۱۹ - ۷۷۸ - ۷۸۳ - ۷۹۶ - ۸۰۲ *

کچ * ۲۸۳ - ۲۹۶ - ۷۷۰ - ۷۷۲ *

(۲۱)

کچھوہہ * ۲۸۳ - ۲۶۹ - ۲۶۵

کراہہ * ۵۸۲ - ۵۸۰

کروگانو * ۷۰۳ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۷

- ۷۲۸ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۸۳ - ۷۸۴

- ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۷ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲

* ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۹

کرنال * ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۲۲۰ - ۷۹۴ - ۸۴۹

کروناٹک * ۴۴۰ - ۵۷۵

کروہ مار * ۱۰۵۸

کرون پہولہی * ۹۵۱

کروی * ۴۱۱

کروی باری * ۶۷۹ - ۶۸۱ - ۶۸۲

کڑہ * ن * کورہ * ۱۶۸ - ۲۴۱ - ۲۷۱ - ۲۸۵ - ۲۸۷

کڑہ مازنگ پور * ۲۱۸ - ۵۶۵

کشمیر * ۱۹۶ - ۲۱۰ - ۲۱۵ - ۴۸۷ - ۵۶۴ - ۶۱۹ - ۶۳۴ - ۷۶۴ - ۷۶۸

- ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۳ - ۸۲۵ - ۸۲۷ - ۸۲۹ - ۸۳۲ - ۸۳۵

* ۸۷۸ - ۹۲۴ - ۹۲۴ - ۱۰۶۳

کلنگ * ۸۰۸ - ۸۱۰

کلیا بر * ۷۹۷

کلپان * ۱۲۷ - ۱۹۴ - ۲۱۵ - ۹۱۰ - ۱۰۰۷ - ۱۰۰۸

کمانون * ۴۴۱ - ۵۹۵ - ۷۶۵ - ۸۶۱ - ۹۲۲ - ۹۸۱

کن * ۲۷۳

(۲۲)

* کنجوتی * ۱۰۰۸ *

* گندانه * ۸۹۵ - ۹۰۵ - ۹۰۶ *

* کنور * ۷۷ *

* کوچ بهار * ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۶ - ۶۹۳ - ۷۴۱ - ۷۸۱ - ۸۱۰ *

* کونک * ۵۷۳ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ *

* کولکله پهازی * ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ *

* کول * ۷۵۲ *

* کوه گده * ۳۱۳ *

* گهاتم پور * ۲۷۱ - ۲۸۷ *

* کهاون * ۱۰۰۶ *

* کهر پور * ۴۹۴ *

* کهرد * ۲۰۲ *

* کهندا کله * ۹۰۵ *

* کهیلنه * ۱۰۰۳ *

* گجرات * ۲۹ - ۳۳ - ۴۳ - ۵۵ - ۶۶ - ۱۳۴ - ۱۹۷ - ۲۱۰ - ۲۱۳ - ۲۸۱

- ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۳۲ - ۳۳۴ - ۳۴۲

- ۳۴۳ - ۳۴۵ - ۴۰۳ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۴۸ - ۴۵۲ - ۴۷۱ - ۴۸۵

- ۵۶۴ - ۵۶۸ - ۵۹۲ - ۶۲۹ - ۶۳۶ - ۶۴۷ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۶۳

- ۷۷۰ - ۸۳۲ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۵۵ - ۸۶۱ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۹۶۴

* ۹۸۶ - ۱۰۵۶ - ۱۰۵۷ *

* گده بیتلهی * ۳۲۶ *

* گده سازنگسا * ۱۸۵ *

(۲۳)

گلکند * ۱۰۱۷ - ۱۰۱۴ - ۱۰۱۱

گنگ * ۱۷۵ - ۱۷۳ - ۱۷۲ - ۱۷۱ - ۱۶۹ - ۱۶۷ - ۱۵۹ - ۱۴۸ - ۳۱

گولیار * ۱۷۷ - ۲۸۵ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۵۲ - ۲۵۶ - ۲۶۳ - ۲۶۴

* ۲۹۳ - ۲۹۲

گواهدی * ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۳۰۱ - ۳۰۳ - ۳۳۳ - ۵۹۴

* ۱۰۶۸ - ۱۰۵۰ - ۸۶۳ - ۶۰۶ - ۶۰۳ - ۶۰۲

گواهدی * ۶۷۸ - ۶۸۰ - ۶۶۹ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۲۲ - ۷۲۵ - ۸۱۰ - ۸۱۱

* ۱۰۶۸

گوبندوال * ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸

گورکھ پور * ۲۰۲ - ۳۷۶ - ۵۷۳ - ۵۹۰ - ۶۴۸ - ۷۴۱ - ۸۵۰ - ۸۷۴

* ۱۰۶۱ - ۱۰۵۰ - ۹۶۷ - ۸۷۷

گومکینیا * ۷۰۲

گون رکھ * ۵۳۸

گهوا گهات * ن * کهوتنا گهات * ۶۷۷ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۹۴ - ۷۸۲

• لام •

لامانگ * ۶۱۹

لامده * ۷۲۲

لاهور * ۸۷ - ۱۲۵ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۲

۱۸۳ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۹۷ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۴ - ۲۱۲

۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۲۱ - ۲۲۹ - ۲۳۸ - ۲۷۳ - ۳۳۰

۳۶۱ - ۳۸۸ - ۵۵۱ - ۷۶۶ - ۸۱۲ - ۸۱۵ - ۸۱۸ - ۸۲۱ - ۸۳۳ - ۸۴۵

۸۳۸ - ۸۴۰ - ۸۴۲ - ۸۴۶ - ۹۷۹ - ۱۰۳۱ - ۱۰۵۸ - ۱۰۶۷ - ۱۰۶۸

(۲۱۴)

لجسا * ۸۵۲ *

لرې هيوه پور * ۸۲۶ *

لکي * ۱۰۵۸ - ۱۰۵۹ *

لکېنو * ۱۴۹ *

لکھو کھاره * ن * کلو کھاره * ۴۰۵ *

لکھو گده * ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۲۳ - ۷۲۵ - ۷۷۸ - ۷۸۰ - ۷۹۶ - ۷۹۰ -

* ۹۰۹ *

لکھي جنکل * ۱۴۲ - ۷۶۷ *

لکھي ديه * ۵۵۹ *

لنگرکوت * ۱۰۵۹ *

لور يانه * ۷۶۶ *

لوناچهاري * ن * لوزه * ۲۸۳ - ۷۰۲ *

لوهري * ۲۷۶ - ۲۸۴ - ۱۰۰۳ *

لوه گده * ۳۰۵ - ۸۸۸ - ۸۹۶ - ۹۰۵ *

* ميم *

ماچهواره * ن * ماچهواره * ۱۲۷ *

مالده * ۵۳۶ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ *

مالوار * ۵۷۱ *

مالوره * ۳۲ - ۴۱ - ۴۳ - ۴۹ - ۵۲ - ۵۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۱۶۲ - ۱۸۹ - ۳۰۱

- ۶۳۰ - ۶۱۵ - ۵۹۳ - ۵۹۰ - ۴۸۵ - ۴۷۴ - ۴۳۴ - ۴۲۲ - ۴۱۹

* ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۴ - ۷۴۱ - ۸۵۵ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۸۰ - ۹۰۶ *

مانک گده * ۹۰۵ *